

بحشی در تمیز دعوی متقابل از دفاع ماهوی

رضا شکوهی زاده*

چکیده

برای شناخت موضوع این مقاله، نخست باید دعوی متقابل ساده را از دعوی متقابل دوگانه تفکیک نمود. دعوی متقابل دوگانه، دعوی است که دارای کارکردی دوگانه است؛ از یک سو اثری همانند دفاع ماهوی دارد، چون هدف اولیه آن رد ادعای خواهان است. از سوی دیگر، همانند دعوی متقابل ساده، ادعایی است خارج از موضوع دعوی اصلی. موضوع این مقاله، تفکیک دعوی متقابل دوگانه از دفاع ماهوی است. در حقوق ایران، برای تفکیک دعوی متقابل از دفاع ماهوی، معیارهای اثباتی ارائه شده است. به این ترتیب که اعتبار ادله اثباتی ادعای خواننده، تعیین کننده لزوم تقدیم دادخواست متقابل معرفی شده است. در این مقاله خواهیم دید که معیار ثبوتی از لحاظ نظری قانع کننده و در عمل قابل اعمال است. معیار ثبوتی تمیز دعوی متقابل از دفاع ماهوی عبارت است از مطالبه نفعی بیش از رد ساده ادعای خواهان، توسط خواننده. احراز این معیار به رغم بداهت ظاهری، در عمل با پیچیدگی های فراوانی همراه است.

واژگان کلیدی: دعوی متقابل دوگانه، دفاع ماهوی، تهاتر، بطلان، ایفای تعهد، اعتبار امر مختومه

مقدمه

ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه دعوی متقابل را این‌گونه تعریف می‌کند: «دعوی متقابل، دعوی است که به‌موجب آن، خواننده دعوی اصلی سعی در تحصیل نفعی غیر از رد ساده ادعای طرف مقابل دارد». این ماده معیار تفکیک دفاع ماهوی از دعوی متقابل را ارائه نموده است. آنجا که دفاع خواننده ناظر بر نفی و جاهت قانونی ادعای خواهان است، نیازی به طرح دعوی متقابل نیست. بنابراین، برای شناخت موارد لزوم طرح دعوی متقابل، صرفاً توجه به شرایط زمانی تقدیم دادخواست تقابل و یا ارتباط کامل این دعوا با دعوی اصلی، کافی نیست، بلکه لازم است تا خواننده در طرح دفاعیات خود در پی به‌دست آوردن چیزی بیش از محکومیت خواهان به بی‌حقی باشد. اما تمیز دفاع ماهوی از دعوی متقابل، در عمل دشوار است. طبق شیاع عرفی، بهترین دفاع حمله است. اما در حقوق، باید معیار دقیقی وجود داشته باشد که بر اساس آن دفاع را از حمله تشخیص داد. وقتی هدف خواننده، تنها دفع ضرر مدعی است، عرف او را مدافع می‌شناسد، اما وقتی مطلوب خواننده، تنها در امان ماندن از مطالبات خواهان نباشد، بلکه با ضدحمله در طلب آن باشد که دست پر از این نبرد بیرون رود، در نگاه عرف نیز جایگاه او تغییر می‌کند.

۱. دعوی متقابل دوگانه

گاه موضوع دعوی متقابل، عیناً ناظر بر خواسته خواهان است. در این موارد، موضوع دعوی تقابل و دعوی اصلی، با هم قابل جمع نیست. برای مثال، دعوی اصلی ناظر بر اجرای قرارداد است و دعوی متقابل ناظر بر فسخ یا بطلان آن. چنین مواردی، پذیرش هر دو دعوا یا رد هر دو دعوا در ماهیت^۱ ممکن نیست. در این موارد، از لحاظ موضوع، تفاوتی میان دفاع ماهوی و دعوی متقابل وجود ندارد. همان‌گونه که خواننده در مقابل دعوی الزام به تنظیم سند رسمی می‌تواند در مقام دفاع، به فسخ قرارداد استناد نماید، ممکن است در قالب دعوی متقابل نیز ادعای فسخ مطرح نماید. به‌همین خاطر برخی حقوق‌دانان فرانسوی، از این دعاوی با عنوان دعوی متقابل دوگانه^۲ یاد نموده‌اند (Deshayes, 2011: 1870). از این جهت دوگانه که از یک سو به‌عنوان دفاع مطرح می‌گردد و از سوی دیگر به‌عنوان دعوا.

۱. ممکن است هر دو دعوا، به دلیل شکلی رد شود. مانند آنکه بعد از تقدیم دادخواست تقابل به‌صورت ناقص دادگاه تشخیص دهد دادخواست اصلی نیز ناقص بوده و باید توسط دفتر رد می‌شده است. اگرچه دادگاه با صدور دستور تعیین وقت رسیدگی، به‌طور ضمنی کامل بودن دادخواست را تصدیق می‌نماید و عدول از این تصدیق بلااشکال نیست، اما در عمل شایع است که دادگاه بعد از تشکیل جلسه، دعوا را به دلایل شکلی رد کند.

2. demandes reconventionnelles hybrides

در مقابل، در مواردی موضوع دعوای متقابل، از اموری نیست که بتواند در قالب دفاع ماهوی مطرح شود؛ موضوعی است متباین با خواسته دعوای اصلی. از این دعوا در حقوق فرانسه با عنوان دعوای متقابل محض یا ساده^۱ نام می‌برند. برای مثال، خواننده دعوای الزام به تنظیم سند رسمی، می‌تواند دادخواست تقابلی را برای مطالبه تنمۀ ثمن قراردادی، تقدیم دادگاه نماید. در این موارد، تقابلی میان دعوای اصلی و دعوای متقابل وجود ندارد. به معنای دیگر، دادگاه ممکن است در رأی واحد، هر دو دعوا را رد کند یا هر دو را بپذیرد. در این موارد، گاه موضوع دعوای اصلی و دعوای تقابل واحد است و تنها اسباب موجهه ادعای طرفین متفاوت می‌باشد. برای مثال، ممکن است موضوع دعوای اصلی بطلان عقد به دلیل فقدان قصد باشد و موضوع دعوای متقابل، بطلان عقد به دلیل نامعین بودن موضوع عقد. در مورد مشابهی، دیوان کشور فرانسه در آرای تجویز نموده است که خواهان دعوای اصلی، دعوای طلاق به دلیل تقصیر مطرح نماید و خواهان دعوای متقابل نیز همین خواسته را بر اساس تقصیر خواهان دعوای اصلی مطرح نماید، البته مشروط بر آنکه موضوع هر دو دعوا، تقصیر واحد نباشد (Guinchard, 2014: 272).

موضوع بحث در این مقاله، دعوای تقابل دوگانه است. مواردی که روشن نیست ادعای خواننده باید به شکل دفاع ماهوی مطرح شود یا در قالب دعوای متقابل. ماده ۱۴۲ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر نموده: «ادعای تهاتر، صلح فسخ، رد خواسته و امثال آنکه برای دفاع از دعوای اصلی اظهار می‌شود، دعوای متقابل محسوب نمی‌شود و نیاز به تقدیم دادخواست جداگانه ندارد». به‌رغم مفاد این ماده، دکتترین و رویه قضایی تردیدی ندارد که در مواردی اثبات فسخ یا تهاتر، محتاج تقدیم دادخواست متقابل است. به همین خاطر، ارائه پاسخی دقیق به این پرسش ضروری است که در چه مواردی، طرح دعوای متقابل برای اثبات بطلان یا فسخ قرارداد یا تهاتر موضوع دعوا، ضروری است و در چه مواردی این ادعا می‌تواند به شکل دفاع ماهوی مطرح گردد؟ آیا لزوم تقدیم دادخواست متقابل، وابسته به ماهیت ادعای خواننده است و یا ادله اثباتی آن؟ پاسخ به این پرسش‌ها، بدون ارائه معیاری برای طرح دعوای متقابل، ممکن نیست.

۲. معیار تمیز دعوای متقابل دوگانه از دفاع ماهوی

تمیز دعوای متقابل از دفاع ماهوی از آنجا ضروری است که این دو عمل قضایی، از لحاظ ماهیت و شرایط شباهت زیادی با هم دارند. ماهیت این دو عمل شبیه است، چراکه در هر دو مورد،

1. demandes reconventionnelles pures

خواننده تلاش می‌کند تا دعوای خواهان را به شکست کشاند^۱. ادعای تهاتر یا بطلان، چه در قالب دفاع ماهوی مطرح شود و چه دعوای متقابل، باعث بی‌اعتباری مطالبه اجرای قرارداد توسط خواهان می‌گردد. شرایط این دو عمل قضایی نیز مشابه است؛ دفاع ماهوی و دعوای متقابل هر دو باید در مدت مشخص مطرح شود. دعوای متقابل به موجب ماده ۱۴۳ قانون آیین دادرسی مدنی باید تا پایان اولین جلسه دادرسی مطرح شود. طرح دفاع ماهوی نیز مقید به مهلت است. همان گونه که خواهان ملزم است تا در دادخواست کلیه ادله خود را ارائه نماید، خواننده نیز ملزم است تا در جلسه اول رسیدگی دفاعیات خود را مطرح کند، مگر اینکه به واسطه کمی مدت یا دلایل دیگر نتواند اسناد و دلایل خود را در جلسه اول حاضر نماید و دادگاه تأخیر جلسه را بپذیرد (ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی). از سوی دیگر، دفاع ماهوی نیز باید با دعوای اصلی دارای ارتباط کامل باشد. اصولاً دفاعی که در مقابل ادعای خواهان نباشد، دفاع غیر مرتبط و غیرقابل استماع محسوب می‌گردد. با توجه به این شباهت‌ها، لازم است تا معیار تمیز دعوای متقابل از دفاع ماهوی روشن شود. در ذیل، معیار اثباتی و ثبوتی برای تفکیک دعوای متقابل از دفاع ماهوی مورد بررسی قرار گرفته است.

۲-۱. معیار اثباتی

در برخی نظریات، لزوم طرح دعوای متقابل، وابسته به ادله اثباتی خواننده تلقی شده است. مطابق این نظریات، اگر ادعای خواننده مبنی بر بطلان قرارداد ابرازی توسط خواهان و یا تهاتر طلب خواهان با طلب خواننده، مستند به اسناد مسلم الصدور یا توأم با قبول خواهان باشد، طرح دعوای متقابل ضروری نیست (شمس، ۱۳۸۱ [الف]: ۵۰۶). مهم‌ترین دلیل نظریه اثباتی، موارد لزوم تقدیم دادخواست متقابل در رابطه با ادعای تهاتر است. در واقع، می‌توان از موارد لزوم تقدیم دادخواست متقابل در رابطه با ادعای تهاتر، به عنوان دلیل نظریه اثباتی نام برد. لذا لازم است ملاک تقدیم دادخواست متقابل در رابطه با ادعای تهاتر مورد بررسی قرار گیرد. پس از اینکه دلیل نظریه اثباتی مورد بررسی انتقادی قرار گرفت، نوبت به طرح ایراداتی می‌رسد که به این نظریه وارد است.

۲-۱-۱. دلایل نظریه اثباتی

در نگاه نخست، به نظر می‌رسد که معیار تقدیم دادخواست متقابل در رابطه با ادعای تهاتر، معیاری اثباتی است. شاید ادعا شود دعوای تهاتر همواره ناظر بر رد دعوای اصلی است. به بیان دیگر، خواننده جز رد ادعای خواهان مبنی بر الزام به پرداخت مبلغ موضوع دعوا، نفع بیشتری مطالبه

۱. ماده ۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه در تعریف دفاع ماهوی مقرر می‌دارد: «جهاتی است که هدف از طرح آن، اثبات بلاوجه بودن ادعای طرف مقابل، بعد از رسیدگی ماهوی است».

نمی‌نماید. بنابراین، تنها جهات اثباتی است که باعث تفکیک تهاتر قضایی از تهاتر قانونی می‌شود. به تعبیر یکی از اساتید، حتی در فرضی که خواننده به وجود طلبی معین، هم‌جنس با خواسته اصلی و حال استناد می‌کند (هرچند شرایط تحقق تهاتر قانونی فراهم باشد)، اگر احراز آن طلب به دادرسی طولانی و پیچیده‌ای نیاز داشته باشد که دادرسی اصلی را مدت‌ها به تأخیر می‌اندازد، بازهم آنچه خواننده درخواست می‌کند، دفاع ساده نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۶۴). ایشان اضافه می‌نمایند که «تهاتری که به‌عنوان دفاع پذیرفته می‌شود، باید طلبی باشد که با اندک تحقیق (مانند ملاحظه دفاتر تجاری یا رسیدگی به اصالت سند) قابل احراز باشد» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۶۵).

اما در عمل نمی‌توان هیچ دادرسی را ملزم دانست که با طرح دفاعیات خواننده، پیش‌بینی نماید این دفاعیات ظرف چه مدت یا به چه نحو قابل اثبات است. در مقابل، اگر ماهیت دفاعیات خواننده، معیار توصیف آن به‌عنوان دفاع ماهوی یا دعوی متقابل، در نظر گرفته شود، به‌محض طرح دفاعیات، قاضی می‌تواند لزوم یا عدم لزوم تقدیم دادخواست متقابل را تشخیص دهد. اگر معیار تقدیم دادخواست متقابل را مطالبه نفعی بیش از رد سادۀ ادعای خواهان توسط خواننده بدانیم، مطالبه چنین نفعی تنها در مصادیق تهاتر قضایی محقق است. چراکه در تهاتر قضایی، شرایط سقوط خود به خود دو دین در برابر هم، مانند وحدت موضوع یا میزان دو دین، توسط دادگاه فراهم می‌گردد. بنابراین، در تهاتر قضایی، خواننده نه‌تنها رد ادعای خواهان را مطالبه می‌کند، بلکه در پی تحصیل نفعی بیش از آن است. برای مثال، آنجا که خواننده در برابر ادعای خواهان مبنی بر مطالبه ثمن، ادعا می‌کند که از تأخیر خواهان در تسلیم مبیع، خساراتی به او وارد شده است؛ این دفاع باید در قالب دعوی متقابل مطرح گردد، چراکه حتی بر فرض تحقق طلب خواننده بابت خسارت ادعایی در عالم اعتبار، بدون حکم دادگاه میزان این طلب و اجل آن مشخص نیست. در این فرض، دادگاه صرفاً شرایط تحقق تهاتر را بررسی نمی‌کند بلکه میزان و اجل یکی از دو تعهد را تعیین می‌نماید. همین تصفیه نمودن طلب تصفیه نشده توسط دادگاه، نفعی است پیش از رد سادۀ ادعای خواهان. در مقابل اگر ماهیت و شرایط طلب ادعایی خواننده مشخص باشد، هرچند اصل این طلب مورد تردید باشد و خواننده اسناد مسلم‌الصدوری برای اثبات آن نداشته باشد، تهاتر بر فرض تحقق قانونی بوده و اثبات آن نیاز به تقدیم دادخواست متقابل ندارد. در فرض اخیر حکم دادگاه، حکمی اعلامی خواهد بود که ویژگی منحصر تهاتر قانونی است. برای مثال، اگر خواننده در برابر مبلغ سفته‌ای که بدهکار است، وصیت مبلغی معادل وجه سفته را توسط مورث خواهان به نفع خود ادعا نماید، هرچند وصیت‌نامه ابرازی مشکوک‌الصدور بوده و نیاز به تنفیذ داشته باشد، همچنان این ادعا در قالب دفاع ماهوی قابل رسیدگی است. چون در فرض اثبات ادعای خواننده، معلوم می‌شود که در زمان معین، خواننده مبلغ معینی از

خواهان طلبکار بوده و این طلب با طلب خواهان تهاتر شده است (برای دیدن نظر مخالف نک: کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۶۴). بنابراین، هر جا تهاتر ادعایی، وصف قانونی داشته و حکم دادگاه جنبه اعلامی داشته باشد، صرف نظر از ادله اثباتی آن، این ادعا در قالب دفاع ماهوی قابل طرح است. در مقابل، آنجا که در زمان اقامه دعوا، طلب خوانده محقق و ثابت نباشد، بلکه به موجب حکم دادگاه تصفیه گردد، تهاتر جنبه قضایی داشته و باید از طریق تقدیم دادخواست تقابل محقق گردد (امامی، ۱۳۷۸: ۳۴۴).

بنابراین، حکم دعوای تهاتر، نمی تواند اعتبار معیار اثباتی را در تقدیم دادخواست متقابل و تفکیک آن از دفاع ماهوی اثبات نماید. صرف نظر از این مراتب، برخی ایرادات نیز بر این نظریه وارد می باشد.

۲-۱-۲. ایرادات وارد بر نظریه اثباتی

الف) عدم امکان ارزیابی ادله، پیش از ورود به ماهیت دعوا: قاضی پیش از آنکه وارد ماهیت دعوا گردد، نمی تواند دلایل خوانده را ارزیابی نماید. اصولاً رسیدگی ماهوی نیز معنایی جز ارزیابی ادله ندارد. از سوی دیگر، قاضی مجبور است در زمان طرح پاسخ های خوانده، لزوم یا عدم لزوم تقدیم دادخواست متقابل را تشخیص داده و به خوانده اعلام نماید. اعتبار ادله خوانده در ادعای بطلان یا ایفای تعهد، امری است که در ختم رسیدگی روشن می شود و نه در آغاز آن. منطق قضایی به قاضی اجازه نمی دهد تا در آغاز رسیدگی در رابطه با اعتبار ادله طرفین اظهار نظر نماید، چراکه چنین اظهار نظری، تکلیف دعوا را روشن نموده و ادامه رسیدگی را در عمل بیهوده می کند.

علاوه بر این، نمی توان دادرسی طولانی و پیچیده، برای اثبات ادعای خوانده را معیار تقدیم دادخواست تقابل دانست (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۶۴)، چراکه در این صورت لازم می شود تا معیاری برای پیش بینی دادرسی طولانی و پیچیده در اختیار دادرس گذاشته شود. تعدد طرف ها یا موضوع دعوا موجب پیچیده شدن دادرسی و به تبع طولانی شدن آن نیست؟ مطابق این استدلال، معیار اصلی برای تقدیم دادخواست تقابل، تعدد طرفین یا موضوع دعوا می شود، ادعایی که هیچ کس معتقد به آن نیست.

ب) خروج دفاع ماهوی از موضوع دعوای اصلی: صرف نظر از ایراد بالا، اگر خوانده در دفاعیات خود، علاوه بر رد ادعای خواهان، نفع مستقلی را نیز مطالبه نماید و قاضی بر اساس مستندات این ادعا، تقدیم دادخواست متقابل را ضروری نداند و اقدام به اظهار نظر نسبت به این ادعا نماید، حکمی خارج از موضوع دعوا صادر نموده است. چراکه موضوع دعوا را دادخواست خواهان مشخص می کند و تا زمانی که دعوای دیگری به صورت طاری مطرح نشده است، این دادخواست محدوده رسیدگی

دادگاه را مشخص می‌کند. حکمی که به این صورت صادر می‌گردد، به موجب بند ۲ ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی قابل اعاده دادرسی است.

ج) مغایرت طرح ادعای جدید به‌عنوان دفاع ماهوی با اصل تناظر: تجویز طرح ادعای خارج از موضع دفاع خوانده در چهارچوب دفاع ماهوی، با اصل تناظر نیز در مغایرت است. خواهان برای اثبات ادعای خود در دادرسی آمادگی دارد، اما اگر خوانده ادعایی خارج از دفاع در برابر ادعای خواهان مطرح نماید، نمی‌توان خواهان را ملزم به پاسخ‌گویی به این ادعا نمود، هرچند مستند این ادعا مسلم و غیرقابل انکار باشد. البته ماده ۷۶ قانون آیین دادرسی مدنی به دادگاه اختیار داده است که صورت استناد خوانده به دلایلی که دفاع از آن برای خواهان در همان جلسه ممکن نیست، جلسه را تجدید نماید، اما این اختیار، تضمین کافی برای حفظ حقوق دفاعی خواهان ایجاد نمی‌نماید. در مقابل، تقدیم دادخواست متقابل، برای دادگاه تکلیف ایجاد می‌کند که با تقاضای خواهان، اقدام به تأخیر جلسه نماید (ماده ۱۴۳ قانون آیین دادرسی مدنی). بنابراین، پذیرش ادعای جدید از سوی خوانده، به منزله نفی حقوق دفاعی خواهان می‌باشد، هرچند مستند ادعای خوانده سند رسمی یا دیگر دلایل مسلم و غیرقابل انکار باشد.

۲-۲. معیار ثبوتی

در نظریه ثبوتی، ملاک طرح دعوای تقابل، موضوع ادعای خوانده است. اگر موضوع ادعای خوانده، صرفاً رد ادعای خواهان باشد، این ادعا باید به شکل دفاع ماهوی مطرح گردد. اما اگر خوانده خواستار نفعی بیش از رد خواسته خواهان باشد، لازم است تا در قالب دعوای متقابل، ادعای خود را مطرح نماید. اعمال این معیار چند مزیت در بردارد؛ نخست آنکه ناظر بر ماهیت ادعاست نه امور اثباتی. به‌همین خاطر، دادرس می‌تواند در زمان طرح دفاعیات خوانده، قابلیت رسیدگی به آن را به‌عنوان دفاع ماهوی یا در قالب دعوای متقابل تشخیص دهد. دوم آنکه با مفاد ماده ۱۴۲ قانون آیین دادرسی مدنی سازگار است. در این ماده طرح دفاعیاتی در قالب دفاع ممکن اعلام شده است که «برای دفاع از دعوای اصلی اظهار می‌شود...». ادعای فسخ یا تهاتر تنها زمانی به‌عنوان دفاع ماهوی قابل پذیرش است که محدود به دفاع در برابر ادعای خواهان باشد. در مقابل، اگر دعوای ناظر بر انحلال اصل قرارداد یا تصفیه دین تصفیه نشده باشد، طرح آن به‌عنوان دفاع ماهوی ممکن نیست، هرچند مبتنی بر سند رسمی باشد، چراکه حکمی که ممکن است دادگاه به نفع خوانده صادر نماید، فراتر از موضوع دعوا خواهد بود. برای مثال، در فرضی که خواسته خواهان الزام به تنظیم سند رسمی است، چنانچه خوانده با اثبات بی‌اعتباری قرارداد، خواهان را از تحویل مبیع نیز محروم کند، حکم دادگاه فراتر از موضوع دعوا خواهد بود. در فرضی دیگر، خواهان یک میلیون تومان بابت چک طلبکار

است، خواننده ادعا می‌کند یک میلیون تومان بابت خساراتی که به اتومبیل او وارد شده، از خواهان طلبکار است. حتی اگر طلب خواننده مبتنی بر سند رسمی یا سند مسلم‌الصدور دیگری نیز باشد، دادگاه نمی‌تواند بدون تقدیم دادخواست تقابل به این ادعا رسیدگی کند، چون با پذیرش آن باید حکمی خارج از موضوع دعوا^۱ صادر نماید. سوم آنکه از دیدگاه فقهی، تا زمانی که اظهار خواننده صرفاً مفید انکار ادعای خواهان است، مدعی محسوب نشده و ملزم به ارائه دلیل نیست، اما وقتی علاوه بر انکار ادعای خواهان، مدعی حقی نیز شود، باید برای اثبات آن دلیل آورد. به تعبیر صاحب عناوین، در فرضی که منکر علاوه بر اینکه موضوع ادعای مدعی را نفی می‌کند، مدعی چیز دیگری نیز می‌شود، به نحوی که اگر اثبات گردد، هم ادعای مدعی نفی شده و هم زیادتی نصیب منکر می‌شود، هر دو طرف مدعی و منکر محسوب می‌شوند (حسینی مراغی، ۱۴۲۵: ۶۰۶). برای مثال، در فرضی که بایع طالب ثمن یک من گندم می‌شود، اما منکر، علاوه بر ادعای تأدیة ثمن، مدعی می‌شود که مبیع دو من گندم بوده است^۲. در این فرض، دادگاه نمی‌تواند به ادعای خواننده، به‌عنوان دفاع ماهوی توجه نماید. در چهارچوب مقررات آیین دادرسی مدنی، خواننده باید اقدام به تقدیم دادخواست تقابل نماید، چون نفعی را بیش از رد سادۀ ادعای خواهان مطالبه نموده است.

۳. تطبیق تحصیل نفع بر مصادیق دعوی متقابل

همان‌گونه که ذکر شد ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، معیار تمیز دعوی متقابل از دفاع ماهوی را قصد خواننده برای تحصیل نفعی غیر از رد سادۀ ادعای خواهان اعلام نموده است. مفهوم تحصیل نفع در حقوق دادرسی، متفاوت از این مفهوم در حقوق مدنی است. تحصیل نفع در حقوق مدنی، در افزایش دارایی مثبت یا کاهش دارایی منفی شخص تجلی می‌یابد. اما نفعی که طرفین دادرسی در پی تحصیل آن هستند، ممکن است به‌صورت بالفعل هیچ تأثیری بر دارایی آنان نداشته باشد. پیش از صدور حکم قطعی، حق موضوع دعوا به‌صورت بالفعل و قطعی بر ذمه طرفین تعلق نگرفته است. بنابراین، هریک از طرفین در منتفی شدن مسئولیت خود در مقابل طرف دیگر، ذی‌نفع است. اگر خواننده هدف خود را در دادرسی به محکوم نشدن در برابر خواهان محدود و منحصر نماید، از نقش قانونی خود به‌عنوان خواننده خارج نشده است. اما آن‌جا که خواننده به مغلوب نشدن در مقابل خواهان قناعت نمی‌کند، بلکه سودای به شکست آوردن خواهان را دارد، از نقش

1. *extra petita*

۲. «الشیء المدعی به إما أن یکون الآخر ینفیه و یسکت، أو یثبت شیئاً آخر، فعلى الاول لایبحث فی معرفة المدعی و المنکر و علی الثانی: فإما أن یکون ما أثبتته داخلاً تحت مانفاه بحيث لو ثبت مانفاه لثبت ذلك أيضاً و زیادة... ففی هذا الفرض کل منهما مدعی و منکر غالباً» (نراقی، ۱۴۲۵: ۶۰۵).

خود به عنوان خواننده خارج شده و تبدیل به مدعی می‌گردد.

در فقه نیز یکی از معیارهایی که برای تشخیص مدعی از منکر ارائه شده است، دارا شدن نفع است (حسینی مراغی، ۱۴۲۵: ۵۹۰). مطابق این معیار، برای تشخیص مدعی از منکر، باید دید کدام طرف است که با تسلیم شدن طرف مقابل، صاحب نفعی می‌شود. به این ترتیب، خواننده نیز در صورتی که مطالبه‌ای داشته باشد که در صورت مورد پذیرش قرار گرفتن آن توسط خواننده، نفعی را غیر از رد ادعای خواهان برای او به همراه داشته باشد، مدعی محسوب می‌گردد.^۱

۳-۱. انحلال قرارداد موضوع دعوا

استناد به انحلال قرارداد (اعم از فسخ و بطلان) یکی از شایع‌ترین مصادیق دعوی متقابل دوگانه است. به این معنی که طرح آن در چهارچوب دعوی متقابل، کارکرد دفاع ماهوی را نیز دارد.^۲ برخی از حقوق‌دانان فرانسوی به استناد رأی اصراری دیوان کشور ۲۲ آوریل ۲۰۱۱ که در ذیل به بررسی آن خواهیم پرداخت، به این نتیجه رسیده‌اند که مطالبه بطلان قرارداد فی نفسه مستلزم تقدیم دادخواست متقابل است، بدون اینکه مطالبه استرداد عوض قراردادی یا خسارات ناشی از بطلان توسط خواننده ضروری باشد (Posez, 2014: 1337). با این حال، نظر مشهور در دکترین و رویه قضایی آن است که ایراد بطلان، در قالب دفاع ماهوی قابل طرح است، مگر در مواردی که در ذیل به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۳-۱-۱. اصل: مطالبه نفعی بیش از رد ساده ادعای خواهان

با ملاک قرار دادن تحصیل نفعی غیر از رد ساده ادعای خواهان برای دعوی متقابل، اگر هدف خواننده از طرح ادعای فسخ یا بطلان قرارداد، صرفاً رد خواسته خواهان در مطالبه اجرای قرارداد

۱. صاحب عنوانین در شرح اعتبار نفع در تشخیص مدعی می‌نویسند: «و أما اعتبار كونه بحيث لو ثبت المنكر ايضاً لكان هناك نفع للمدعي... وبالجملة: فاعتبار كون الدعوا مما يقصده العلماء للتشاجر و التنازع مما لا بحث فيه، كما أن عدم دخوله في ماهيته الدعوا بحيث لا يصدق بدونه كذلك على ما يظهر من العرف؛ و من ذلك أن كلام الأصحاب في توجه اليمين على المنكر يدور مدار نفع المدعي لو اعترف؛ فعليك بالتبع التام.» (حسینی مراغی، ۱۴۲۵: ۵۹۱).

۲. شعبه ۳۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در رأی مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۴ به شماره ۱۳۲۶-۲۲۳۵۰۲۲۳۵۰۹۹۷۰۹۱ در مقام نقض دادنامه بدوی که دعوی اعلام بطلان و انفساخ قرارداد را به موجب ماده ۱۴۲ قانون آیین دادرسی مدنی بی نیاز از تقدیم دادخواست تقابل، تلقی نموده بود، اعلام نموده است: «... تجدیدنظرخواهی متضمن جهت موجه در نقض رأی صادره می‌باشد. زیرا اولاً دعوی اعلام انفساخ و بی‌اعتباری وکالتنامه مذکور دعوی مستقلی است و در دفاع از دعوی اصلی تلقی نمی‌گردد تا نیاز به تقدیم دادخواست نداشته باشد...». (پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور، ۱۳۹۳: ۲۵).

باشد، این ادعا دفاع ماهوی محسوب می‌شود، صرف‌نظر از اینکه مستند خواننده در ادعای بطلان یا فسخ قرارداد، سند رسمی باشد یا عادی یا شهادت شهود. به گفته یکی از حقوق‌دانان فرانسوی، وقتی ایراد بطلان به صورت دفاع ماهوی مطرح می‌گردد: «خواننده بطلان عقد موضوع دعوا را به طور مطلق، مطالبه نمی‌نماید. او از قاضی صدور حکم را بر بطلان نسبت به همه^۱ نمی‌خواهد. در این فرض، خواسته خواننده، صرفاً ناظر است بر رد دعوی خواهان مبنی بر اجرای قرارداد» (Strock, 1987: 67). در مقابل اگر مشتری، علاوه بر رد خواسته خواهان مبنی بر پرداخت ثمن، استرداد ثمن پرداختی بابت قرارداد را نیز مطالبه نماید، تردیدی نیست که موضوع باید در قالب دعوی متقابل مورد رسیدگی قرار گیرد. مهم‌ترین دلیل این نظریه آن است که مطالبه استرداد ثمن توسط خواننده، باعث گسترش موضوعی دادرسی است. چنانچه بدون تقدیم دادخواست جداگانه توسط خواننده، دادگاه نسبت به این خواسته اظهارنظر نماید، موضوع از مصادیق صدور رأی خارج از خواسته محسوب شده و حکم صادره قابل اعاده دادرسی است (بند ۲ ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی).

اما مطالبه نفعی غیر از رد ساده ادعای خواهان توسط خواننده، همیشه با این صراحت صورت نمی‌گیرد. گاه خواننده بدون اینکه به صورت بالفعل حقی را مطالبه کند که در نتیجه انحلال قرارداد برای او حاصل می‌شود ادعای خود را در خارج از چهارچوب دفاع مطرح می‌کند. در این موارد، خواننده احراز بطلان قرارداد را علی‌الطلاق و بدون در نظر داشتن آثار خاصی که موضوع دعوی خواهان است، مطالبه می‌کند. در این مورد نیز دادگاه نمی‌تواند در قالب دفاع ماهوی به چنین ادعایی رسیدگی کند. چراکه حکمی که در رابطه با احراز یا عدم احراز بطلان قرارداد صادر می‌شود، نسبت به آن دسته از آثار قرارداد که موضوع دعوی جریانی نیست نیز سرایت می‌کند. برخی حقوق‌دانان فرانسوی، ادعای بطلان در این فرض را «ایراد بطلان - بطلان واقعی»^۲ نامیده‌اند و آن را در مقابل «ایراد بطلان - ایراد دفاعی محض»^۳ قرار داده‌اند (Deshayes, 2011: 1871). در فرض نخست، قاضی نمی‌تواند دعوی خواهان را رد کند، مگر آنکه پیش از آن بطلان قرارداد را احراز نموده باشد. در این فرض آثار حکمی که دادگاه در پی رسیدگی به ایراد بطلان صادر می‌نماید، همانند آثار حکمی است که در پی ادعای بطلان به موجب دعوی اصلی صادر می‌شود. به طور دقیق‌تر می‌توان گفت که آثار حکمی که در پی این ادعا صادر می‌گردد، محدود به محروم ماندن خواهان از اجرای تعهدات موضوع دادخواست نیست؛ صدور چنین حکمی باعث منتهی شدن آثار قرارداد نسبت به گذشته و

1. erga omnes

2. l'exception de nullité-véritable nullité

3. l'exception de nullité-pure exception défensive

آینده می‌گردد. با صدور چنین حکمی، آنچه نصیب خواننده می‌شود، «نفعی» است بیش از «رد ساده ادعای خواهان».

۳-۱-۲. استثنائات

رویه قضایی فرانسه، در برخی موارد به این نتیجه رسیده است که خواننده ملزم است اقدام به طرح دعوی متقابل نماید، بدون اینکه دادگاه ملزم باشد، مطالبه نفعی بیش از رد ساده خواسته خواهان را توسط خواننده احراز نماید.

۳-۱-۲-۱. مطالبه استرداد ثمن

بحث ایراد بطلان و موارد لزوم تقدیم دادخواست متقابل، در رویه قضایی فرانسه نیز منجر به اتخاذ مواضع متفاوتی شده است. در پی بروز این اختلافات، رأی اصراری مورخ ۲۲ آوریل ۲۰۱۱ صادر گردید. در این پرونده، بایع دادخواستی برای مطالبه ثمن تقدیم می‌کند. مشتری به‌عنوان خواننده به استناد بطلان قرارداد، خواسته خواهان را بلاوجه اعلام نموده و علاوه بر آن، استرداد ثمن پرداختی را نیز مطالبه می‌نماید. دادگاه تجدیدنظر لیون، بر اساس ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه این ادعا را از مصادیق دعوی متقابل اعلام می‌نماید. پس از فرجام‌خواهی از رأی صادره، به دلیل وجود اختلاف میان شعب دیوان کشور فرانسه، موضوع در هیئت عمومی اصراری دیوان کشور فرانسه (که در حال حاضر، جایگزین هیئت عمومی وحدت رویه دیوان کشور فرانسه شده است) مطرح می‌گردد. هیئت عمومی اصراری دیوان کشور فرانسه مقرر می‌دارد: «از آن‌جا که خواننده، ادعای خود را محدود به مطالبه بطلان قرارداد مورد استناد خواهان نموده، بلکه خواستار قرار گرفتن طرفین دعوا در وضعیتی معادل با شرایط پیش از امضاء قرارداد و محکومیت خواهان به استرداد ثمن قراردادی شده است، دادگاه تجدیدنظر به درستی، دفاعیات خواننده را از مصادیق دعوی متقابل، تشخیص داده است».

لازم به ذکر است که برخی از حقوق‌دانان فرانسوی به استناد این رأی به این نتیجه رسیده‌اند که مطالبه بطلان قرارداد فی‌نفسه مستلزم تقدیم دادخواست متقابل است، بدون اینکه مطالبه استرداد عوض قراردادی یا خسارات ناشی از بطلان توسط خواننده، ضروری باشد (Posez, 2014: 1337). اما مفاد این رأی، این نظریه را تقویت نمی‌کند، چراکه در این رأی قصد خواننده برای «قرار گرفتن طرفین در شرایطی معادل با شرایط پیش از امضای قرارداد و استرداد ثمن پرداختی»، مبنای لزوم تقدیم دادخواست تقابل اعلام شده است و نه صرف مطالبه بطلان قرارداد.

۳-۱-۲-۲. شرط عدم اجرای قرارداد

برخی آرای دیوان کشور فرانسه مفید آن است که اجرای قرارداد موضوع دعوا، مانع طرح دفاع

ماهوی مبنی بر بطلان قرارداد است (شعبه تجاری دیوان کشور فرانسه، ۱۵ می ۲۰۱۲). بر همین اساس، برخی حقوق دانان فرانسوی، یکی از شرایط طرح ایراد بطلان، بدون نیاز به تقدیم دادخواست تقابلی را عدم اجرای هرچند جزئی قرارداد موضوع دعوا می دانند (Posez, 2014: 1348). شاید مبنای این نظریه آن باشد که با اجرای بخشی از قرارداد، بطلان قرارداد، تنها باعث منتفی شدن اجرای باقی تعهدات قراردادی نخواهد بود، بلکه باعث استرداد عوض تعهدات اجراء شده قرارداد نیز خواهد شد. به اعتقاد طرف داران این نظریه، اجرای قرارداد، هرچند به صورت قهری و بدون اراده خواننده نیز مانع از طرح ایراد بطلان، بدون تقدیم دادخواست متقابل خواهد بود، چراکه آثار وضعی اجرای قرارداد، بر اجرای قهری نیز بار می گردد. البته، این نظریه در مواردی که اجرای قرارداد به صرف توافق طرفین^۱ محقق می گردد، بامشکل مواجه می گردد، چراکه در عمل، هیچ مصداقی برای طرح ایراد بطلان در قالب دفاع ماهوی، در رابطه با عقود تملیکی باقی نمی ماند. در این موارد، اجرای عقد به صرف انعقاد آن محقق می گردد. دیوان کشور فرانسه، در برخی آراء از همین طریق، اجرای قرارداد را احراز نموده است (شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه، ۶ دسامبر ۲۰۰۵).

در رویه قضایی فرانسه، حتی وجود رابطه تبعیت میان قرارداد اجراء شده و قراردادی که مورد ادعای بطلان قرار گرفته است، از عوامل تحقق شرط عدم اجراء تلقی شده است (شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه، ۳ ژوئیه ۲۰۰۱). بنابراین، چنانچه بخشی از ضمانت نامه بانکی در رابطه با یک قرارداد پیمانکاری به اجراء درآمده باشد، ادعای بطلان قرارداد اصلی در قالب دفاع ماهوی پذیرفته نیست و در این راستا تقدیم دادخواست تقابلی ضروری است.

البته دیوان کشور فرانسه، با صدور آرای، قلمروی اجرای قاعده عدم اجراء را محدود نموده است. برای مثال، در آرای متعددی اعلام شده است که اجرای قرارداد در صورتی خواننده را ملزم به تقدیم دادخواست متقابل می کند که از طرف خواننده مدعی بطلان صورت گرفته باشد. بنابراین، اجرای قرارداد توسط طلبکاران خواننده، برای فک رهن از اموال بدهکار، مانع طرح ادعای بطلان از سوی بدهکار در قالب دفاع ماهوی نیست (شعبه سوم دیوان کشور فرانسه، ۳۰ ژانویه ۲۰۰۲). البته، دیوان کشور فرانسه، در آرای دیگری، اجرای قرارداد از سوی ثالث را نیز مانع طرح ایراد بطلان در قالب دفاع ماهوی دانسته است (شعبه اول دیوان کشور فرانسه، ۵ مارس ۲۰۰۲). رأی اخیر به نظر قابل تأیید می رسد، چراکه لزوم تقدیم دادخواست متقابل، از آثار وضعی اجرای قرارداد است. همچنان که اجرای قهری قرارداد در الزام خواننده به تقدیم دادخواست متقابل مؤثر است، اجراء توسط شخص

1. *solo consensus*

ثالث نیز اثر مشابهی دارد.

۳-۲-۳. موضوع دعوای اصلی

به‌عنوان قاعده می‌توان گفت که ایراد بطلان به‌صورت دفاع ماهوی، در مقابل هر دعوایی که مبتنی بر یک قرارداد است، قابل طرح است، هرچند موضوع دعوای اصلی اجرای قرارداد نباشد (Posez, 1346: 2014). در همین راستا، دیوان کشور فرانسه در آرایه‌ی تصریح نموده است که ایراد بطلان، در قالب دفاع ماهوی قابل‌رسیدگی است، هرچند دعوای موضوع دعوای اصلی فسخ قرارداد به استناد عدم اجرای آن باشد (شعبه سوم مدنی دیوان کشور فرانسه، اول فوریه ۱۹۷۸). با این حال، شعبه تجاری دیوان کشور فرانسه در موضع‌گیری متفاوتی اعلام نموده است که «توسل به ایراد بطلان به‌عنوان دفاع ماهوی، صرفاً در مقابل دعوای اجرای قرارداد، ممکن است» (شعبه تجاری دیوان کشور فرانسه، ۱۵ می ۲۰۱۲). در این رأی، استناد به بطلان قرارداد شرکت، در فرضی که موضوع دعوای اصلی عبارت است از تنفیذ صورت‌جلسه هیئت مدیره شرکت، به‌عنوان دفاع ماهوی پذیرفته نشده است. بنابراین، در این موارد، خواننده ملزم است تا ادعای خود را در قالب دادخواست متقابل مطرح کند. شاید مبنای این نظریه، اختلاف موضوع دو دعوا باشد. در فرضی که موضوع دعوای اصلی، الزام خواننده به اجرای قرارداد است، ادعای بطلان، در صورت اثبات، به‌طور مستقیم موجب رد ادعای خواهان می‌شود. اما در فرضی که موضوع دعوای اصلی امری غیر از مطالبه اجرای قرارداد است، اثبات بطلان قرارداد به‌طور مستقیم باعث رد ادعای خواهان می‌گردد. به همین خاطر، موضوع ادعای خواننده در این موارد، از موضوع دعوا خروج موضوعی دارد.

۳-۲. تهاتر

یکی از اساتید حقوق کشورمان، طرح ادعای تهاتر قضایی را در هیچ فرضی محتاج به تقدیم دادخواست تقابل ندانسته‌اند. به اعتقاد ایشان، «دعوای تهاتر را نمی‌توان نسبت به دعوای اصلی، دعوای مستقلی دانست، بلکه نوعی دفاع در برابر دعوای اصلی محسوب می‌گردد. بنابراین، طرح آن به‌صورت دفاع انجام می‌گیرد و نیازی به تقدیم دادخواست متقابل ندارد» (شهیدی، ۱۳۸۱: ۱۸۶). ایشان در اثبات ادعای خود به ماده ۱۴۲ قانون آیین دادرسی مدنی استناد می‌نمایند. با پذیرش این استدلال صرف‌نظر از تهاتر، ادعای فسخ، صلح، رد خواسته و امثال آن نیز هیچ‌گاه نیاز به تقدیم دادخواست تقابل ندارد. البته دعوای تهاتر در میان دعوای متقابل، یک استثناء محسوب می‌گردد؛ چراکه در دعوای تهاتر وجود وحدت منشأ و ارتباط کامل میان طلب خواننده و خواهان ضروری نیست (ماده ۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه). اما این امتیاز باعث نمی‌شود که دعوای تهاتر از سایر جهات نیز از باقی دعوای تقابل ممتاز باشد.

در حقوق فرانسه، استناد به تحقق تهاثر قضایی منوط به تقدیم دادخواست متقابل است. وجه ممیز تهاثر قانونی و قضایی، ادله اثباتی آن نیست، بلکه تفاوت در ماهیت طلب مدعی تهاثر نهفته است. یکی از حقوق دانان فرانسوی، تهاثر قضایی را این‌گونه تعریف می‌کند: «تهاثر قضایی، چیزی نیست جز تهاثر قانونی که دادگاه با تصفیۀ یکی از دو طلب^۱، شرایط آن را فراهم می‌سازد» (Mazeaud, 1998: 1189). در تهاثر قضایی، طلب مدعی تهاثر، دارای شرایطی نیست که خود به خود با طلب طرف مقابل محاسبه شود. دادگاه با تصفیۀ نمودن طلب مدعی تهاثر، این شرایط را فراهم می‌سازد. همین تصفیۀ شدن طلب تصفیۀ نشده را می‌توان مطالبۀ نفعی بیش از رد ساده ادعای خواهان دانست. چون نه تنها ادعای خواهان رد می‌شود، بلکه دین تصفیۀ نشده خوانده نیز تصفیۀ می‌شود. برای مثال، ممکن است در مقابل طلب موجر بابت اجاره‌بها، مستأجر به خسارات ناشی از عدم تعمیر عین مستأجره استناد کند. با توجه به پیوستگی دو دین^۲، رویۀ قضایی فرانسه شرایط لازم‌الاجرا بودن و تصفیۀ شده بودن دو دین را ضروری نمی‌داند (Mazeaud, 1998: 1187). در این فرض، امکان طرح ادعای مستأجر به صورت دفاع ماهوی نیست، چراکه نه تنها اصل این طلب هنوز اثبات نشده، میزان آن مشخص نیست و زمانی که بر ذمه موجر تعلق می‌گیرد، معلوم نشده است. اینکه تهاثر بر اساس دادخواست متقابل به اثبات رسد و یا به صورت دفاع ماهوی، آثار متفاوتی در بر دارد. لازم است این آثار را در رابطه با اعتبار امر مختومه و اثر قهقرایی حکم راجع به تهاثر بررسی نمود.

۱-۲-۳. اعتبار امر مختومه حکم راجع به تهاثر

همان‌گونه که خواهد آمد، یکی از آثار تقدیم دادخواست متقابل توسط خوانده ایجاد اعتبار امر مختومه نسبت به موضوع دادخواست است. در حالی که در رابطه با دفاع ماهوی، اعتبار امر مختومه تنها ناظر بر ادعای خواهان است. بنابراین، چنانچه ادعای خوانده مبنی بر بطلان قرارداد، در قالب

۱. منظور از تصفیۀ طلب (liquidité)، مشخص نمودن ماهیت و میزان آن است. (Mazeaud, 1998: 1186) و (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۳۳).

۲. (connexité des dettes) منظور از پیوستگی دو دین در رویۀ قضایی فرانسه، وحدت منشأ آن‌هاست. در مثال فوق، منشأ هر دو دین، عقد اجاره است. البته تهاثر دو دین ناشی از یک منشأ، در عقود دوجانبه کامل (contrats synallagmatiques parfaits) مانند بیع، در رابطه با تعهدات متقابل اصلی طرفین، جریان نمی‌یابد. برای مثال، دین مربوط به تسلیم مبیع با طلب ناشی از ثمن تهاثر نمی‌شود. اگرچه میان تعهدات اصلی و فرعی یا میان تعهدات فرعی ناشی از این عقود، تهاثر برقرار می‌گردد. برای مثال، طلب مشتری بابت خسارات ناشی از تأخیر بایع در تسلیم مبیع، ممکن است با طلب بایع در رابطه با ثمن، تهاثر گردد (Mazeaud, 1998: 1187).

دعوی متقابل مطرح گردد، در صورت رد این ادعا، خواننده در دعوی دیگر نیز نمی‌تواند به این بطلان استناد نماید. حال در رابطه با ادعای تهاتر، این پرسش مطرح می‌گردد که آیا با رد این ادعا، خواننده می‌تواند در دعوی دیگر و در مقابل دیگر مطالبات خواهان به طلب ادعایی خود استناد نماید؟ به نظر می‌رسد در این رابطه باید میان ادعای تهاتر در قالب دفاع ماهوی و دعوی متقابل قائل به تفکیک شد. از آنجاکه اثبات اصل طلب خواننده، مستلزم تقدیم دادخواست متقابل است، با محکومیت خواننده در دعوی متقابل، خواننده نمی‌تواند در دعوی دیگر به این طلب استناد نماید. اما اگر ادعای تهاتر در قالب دفاع ماهوی مطرح شود، دادگاه ممکن است به‌رغم مسلم بودن اصل دین، ادعای تهاتر را به دلیل عدم احراز شرایط وقوع تهاتر، از جمله اتحاد میزان و جنس دو دین، رد نماید. در فرض اخیر خواننده می‌تواند در مقابل سایر مطالبات خواهان به طلب خود استناد نماید.

۲-۳. اثر قهقرایی حکم راجع به تهاتر

شکی نیست که حکم راجع به تهاتر قانونی دارای اثر قهقرایی است. با حکم دادگاه، معلوم می‌شود که از زمان سررسید، دو دین بر اساس مبلغ کمتر، با هم تهاتر می‌شوند. به این ترتیب، در صورت تساوی میزان دو دین هر دو دین، ساقط می‌شوند و در صورت عدم تساوی، دین کمتر، ساقط شده و دین بیشتر در حد دین مقابل، کاهش می‌یابد. در واقع، حکم راجع به تهاتر قانونی، حکمی اعلامی است. در مقابل، حکم راجع به تهاتر قضایی، حکمی تأسیسی و فاقد اثر قهقرایی است. یکی از دیون موضوع تهاتر قضایی، در زمان اقامه دعوا، لازم‌الاجرا و قابل مطالبه نیست، بنابراین، تهاتر به موجب حکم دادگاه واقع می‌گردد. اما در رابطه با اثر قهقرایی تهاتر قضایی، در رویه قضایی فرانسه اختلاف نظر وجود دارد. برخی از حقوق‌دانان تهاتر را از زمان تصفیه شدن دین مورد ادعای خواهان دعوی تهاتر مؤثر می‌دانند. بنابراین، در فرضی که میزان طلب خواهان دعوی تهاتر، از طریق ارجاع موضوع به کارشناسی روشن گردد، از زمان اعلام نظر کارشناس، تهاتر واقع می‌گردد، نه از زمان قطعیت حکم دادگاه (Mazeaud, 1998: 1188). یکی از اساتید حقوق کشورمان نیز به همین اعتبار اعلام می‌دارند: «زمان پیدایش اثر تهاتر قضایی تاریخی است که شرایط آن در واقع موجود بوده است، نه تاریخ صدور رأی قضایی؛ زیرا رأی دادگاه موجب تهاتر نیست، صرفاً دارای جنبه اعلامی و کاشف از حصول قبلی تهاتر است» (شهیدی، ۱۳۸۱: ۱۸۶). این نظریه تاجایی قابل‌پذیرش است که طلب ادعایی خواننده، پیش از صدور حکم دادگاه تصفیه گردد، برای مثال، از طریق قطعی شدن نظریه کارشناسی در خصوص میزان خسارات وارد بر خواننده. اما اگر حکم دادگاه یکی از دو طلب را تصفیه نماید، مانند فرضی که دادگاه رأساً میزان استحقاق خواهان بابت خسارت ادعایی را احراز و اعلام می‌کند، حکم دادگاه فاقد اثر قهقرایی خواهد بود.

۳-۳. ایفای تعهد

طرح ادعای ایفای تعهد به عنوان دفاع در مواردی شایع است که موضوع دعوی اصلی الزام به اجرای قرارداد و یا پرداخت خسارات ناشی از نقض قرارداد است. برای مثال، ممکن است کارفرما در قرارداد پیمانکاری، دادخواستی برای الزام پیمانکار به اجرای پروژه موضوع قرارداد و یا پرداخت خسارات ناشی از عدم اجرای قرارداد، تقدیم دادگاه نماید. در این موارد، همواره این پرسش مطرح است که دفاع خواننده، مبنی بر ایفای تعهدات قراردادی، باید در قابل دعوی متقابل مطرح گردد یا دفاع ماهوی. اگر معیار اثباتی را ملاک تصمیم‌گیری قرار دهیم، مستندات خواننده برای اثبات ایفای تعهد، حکم قضیه را روشن می‌کند. اما همان‌گونه که ملاحظه گردید، ارزیابی ادله طرفین محتاج رسیدگی ماهوی است و دادگاه نمی‌تواند به محض طرح ادعا توسط خواننده، ادله این ادعا را ارزیابی نماید. در معیار ثبوت، مفاد ادعای خواننده، ملاک لزوم یا عدم لزوم تقدیم دادخواست متقابل خواهد بود. بنابراین و برای مثال، چنانچه خواننده در فرض فوق، علاوه بر اینکه مدعی ایفای تعهد و بلاوجه بودن ادعای کارفرما است، پرداخت تنه مبلغ موضوع قرارداد را نیز مطالبه نماید، باید این ادعا را در قالب دعوی متقابل مطرح نماید، چراکه این ادعا به طور روشن، موضوع دعوا را گسترش داده است. در مقابل، چنانچه ادعای خواننده مبنی بر ایفای تعهد، صرفاً با هدف در امان ماندن از پرداخت خسارت مطرح گردد، این ادعا، صرف‌نظر از مستند آن، باید به عنوان دفاع ماهوی پذیرفته گردد.

۴. توصیف دفاعیات خواننده توسط دادگاه

لازم است معلوم شود که آیا دادگاه در توصیف دفاعیات خواننده، باید اصل را بر پذیرش آن در قالب دفاع ماهوی قرار دهد یا برعکس، در مواضع شک، اصل را لزوم طرح دعوی متقابل بدانند؟ در حقوق فرانسه، این بحث بیشتر پیرامون ادعای بطلان مطرح شده است. به اعتقاد یکی از متخصصان آیین دادرسی مدنی فرانسه، ایراد بطلان، باید تفسیر مضیق گردد. به این ترتیب، ایراد بطلان تنها در فرضی به عنوان دفاع ماهوی پذیرفته می‌گردد که هدف خواننده از طرح آن، صرفاً خنثی نمودن ادعای خواهان باشد. بنابراین، در مواردی که در قلمروی دفاعیات خواننده تردید ایجاد می‌گردد، باید خواننده را ملزم به تقدیم دادخواست متقابل دانست (Guinchard, 2014: 272). در نتیجه چنانچه پیش از

۱. اصطلاح ایراد بطلان (exception de nullité) ریشه در حقوق مدنی دارد. این ایراد، ویژگی‌ها و آثار خاص ایرادات دادرسی را ندارد. در واقع، دفاعی است ماهوی که دادگاه برای اظهار نظر در خصوص آن باید وارد ماهیت دعوا گردد. رسیدگی به ایرادات دادرسی، پیش از ورود به ماهیت دعوا صورت می‌گیرد و نتیجه پذیرش آن صدور قرار است (ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه). در حالی که به ایراد بطلان با ورود به ماهیت دعوا رسیدگی شده و نتیجه پذیرش آن، صدور حکم ماهوی علیه خواهان است.

طرح دعوای اصلی، بخشی از قرارداد به اجرا در آمده باشد، ادعای بطلان تنها در قالب دعوای متقابل قابل رسیدگی است (شعبه تجاری دیوان کشور فرانسه، ۱۵ می ۲۰۱۲).

۴-۱. اکتفاء به قدر متیقن در صورت عدم طرح دعوای متقابل

اختیار دادگاه در توصیف ادعای خوانده تا چه حد است؟ دادگاه همواره با این پرسش روبه‌روست که آیا پاسخ خوانده، تنها مفید رد ادعای خواهان است و یا اینکه از دفاع صرف خارج و تبدیل به ادعایی موازی با ادعای خواهان شده است؟ اما در بسیاری موارد، با پاسخ به این پرسش نیز تکلیف دادگاه روشن نمی‌شود. ممکن است دادگاه ادعای خوانده مبنی بر بطلان قرارداد را ناظر بر اصل عقد تلقی نموده و رسیدگی به این ادعا را تنها در قالب دعوای متقابل بپذیرد، اما انقضای مهلت قانونی، امکان تقدیم این دادخواست را به خوانده ندهد.

در این فرض، تکلیف دادگاه چیست؟ در حقوق فرانسه، برخی حقوق دانان بر اساس قاعده دائمی بودن ایرادات، قائل به آن شده‌اند که دادگاه باید تا زمانی که دعوای اصلی در جریان است، ایرادات خوانده از جمله ایراد بطلان را مورد رسیدگی قرار دهند. بنابراین، با تقدیم دادخواست تقابل خارج از موعد و یا تحت شمول مرور زمان، ادعای بطلان باید به‌عنوان دفاع ماهوی، مورد پذیرش قرار گیرد (Posez, 2014: 1343). دیوان کشور فرانسه نیز در برخی آرای خود، به استناد قاعده دائمی بودن ایرادات، ایراد بطلان را در قالب دفاع ماهوی قابل پذیرش دانسته، هرچند که دعوای متقابل در خصوص آن قابل طرح نباشد (شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه، ۲۷ فوریه ۱۹۶۷).

اما اجرای اصل تسلط طرفین بر امور موضوعی دعوا، مستلزم سلب مسئولیت و اختیار از قاضی برای تغییر در موضوع دعوا است. دادگاه باید ادعای طرفین را به همان صورت که مطرح شده، مورد بررسی قرار دهد؛ در صورت برخورداری این ادعاها از شرایط قانونی به آن ترتیب اثر دهد و در غیر این صورت ادعاها را به کناری نهد. اعمال اصل تسلط طرفین بر امور موضوعی دعوا باعث می‌شود که در فرض مورد بحث، دادگاه ادعای بطلان را به‌عنوان دفاع ماهوی نیز نپذیرد. زیرا دفاع باید عیناً منطبق با دعوا باشد، درحالی که بنا به فرض، ادعای خوانده ناظر بر بطلان اصل قرارداد است، صرف نظر از آثاری از عقد که خواهان اجرای آن را مطالبه نموده.

اظهار نظر دادگاه نسبت به بطلان اصل قرارداد، در فرض عدم طرح دعوای متقابل یا عدم امکان طرح آن، با اشکال دیگری نیز مواجه است. بدون تقدیم دادخواست متقابل، موضوع دعوا همان چیزی است که خواهان از دادگاه مطالبه نموده است. حال اگر دادگاه، بطلان اصل قرارداد را از خوانده

به‌عنوان دفاع ماهوی بپذیرد، حکمی خارج از موضوع دعوا^۱ صادر خواهد نمود. چراکه اعلان بطلان قرارداد به‌طور مطلق، نه‌تنها آثاری را که خواهان اجرای آن را مطالبه نموده است، منتفی می‌سازد، بلکه به سایر آثار عقد نیز سرایت می‌کند.

البته عدم پذیرش ادعای خواننده در قالب دفاع ماهوی، به‌معنای عدم رسیدگی به این ادعا نیست. ادعای خواننده مبنی بر بطلان قرارداد، چنانچه در قالب دفاع ماهوی قابل طرح نباشد و شرایط طرح دعوی متقابل را نیز نداشته باشد (برای مثال، به‌دلیل انقضای مهلت تقدیم دادخواست متقابل)، به‌عنوان یک دعوی مستقل، باید توأم با دعوی اصلی مورد رسیدگی قرار گیرد (ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی). البته، باتوجه به اینکه ماده اخیر وجود ارتباط بین دو دعوا را برای رسیدگی توأمان لازم دانسته است، ادعای تهاتری که در قالب دعوی متقابل قابل طرح نیست، در صورتی با دعوی اصلی به‌صورت توأمان مورد رسیدگی قرار می‌گیرد که با دعوی اصلی ارتباط کامل داشته باشد. درحالی که اگر دعوی تهاتر در قالب دعوی متقابل مطرح شود، وجود ارتباط کامل یا وحدت منشأ میان دعوی اصلی و ادعای تهاتر ضروری نیست (شهیدی، ۱۳۸۱: ۱۸۷).

۴-۲. آثار توصیف دادگاه

توصیف دادگاه از دفاعیات خواننده و تشخیص لزوم تقدیم دادخواست تقابل توسط خواننده، نتایج مهمی در پی دارد. در ذیل به بررسی این آثار خواهیم پرداخت.

۴-۲-۱. رژیم حقوقی حاکم بر دفاع ماهوی و دعوی متقابل

دفاع ماهوی و دعوی متقابل، دو عمل قضایی متفاوت با شرایط شکلی متفاوتند. طرح دعوی متقابل باعث گسترش موضوع دادرسی می‌گردد. بنابراین، طرح آن باید به‌موجب دادخواست جداگانه باشد. علاوه بر این، با اینکه دفاع ماهوی در همان جلسه رسیدگی به دعوی اصلی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، تقدیم دادخواست تقابل اصولاً باعث تأخیر جلسه رسیدگی می‌گردد (شمس، ۱۳۸۱ [ب]: ۱۸۹). در حقوق فرانسه نیز گرچه تشریفات طرح دعوی متقابل و دفاع ماهوی در مرحله نخستین یکسان است، اما در مرحله تجدیدنظر طرح دعوی تقابل، باید از طریق ابلاغ دادخواست از سوی وکیل تجدیدنظرخواننده به وکیل تجدیدنظرخواه صورت گیرد (ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه) (Guinchard, 2014: 272).

۴-۲-۲. عدم جریان مرور زمان در رابطه با دفاع ماهوی

از آن‌جا که دفاع ماهوی، در چهارچوب دعوی اصلی مطرح می‌گردد، قابلیت طرح آن وابسته به دعوی اصلی است. بنابراین، اگر دعوی اصلی در زمانی مطرح شده باشد که قرارداد موضوع دعوا،

1. *Extra petita*

مشمول مرور زمان نشده است، طرح ادعای بطلان آن نیز به عنوان دفاع ماهوی ممکن است؛ هر چند بعد از تقدیم دادخواست اصلی، تعهدات قرارداد موضوع دعوا، مشمول مرور زمان شده باشد. در حقوق فرانسه به موجب قاعده‌ای که از حقوق رم به یادگار مانده است، حکم بر آن می‌شود که «تا زمانی که دعوا وجود دارد، ایراد هم وجود دارد»^۱. بنابراین، خواهان نمی‌تواند در مقابل ادعای خواننده مبنی بر بطلان قرارداد، به مشمول مرور زمان نسبت به این ادعا استناد نماید. اما در همین فرض، تقدیم دادخواست تقابل ممکن نیست، چراکه بنا به فرض، قرارداد مورد نظر مشمول مرور زمان شده و دعوای راجع به آن مشمول نیست (Guinchard, 2014: 272). در عمل، در بسیاری از دعوای مرور زمان پنج‌ساله بطلان قرارداد، پیش از مرور زمان مطالبه اجرای قرارداد آغاز می‌گردد، به خصوص در رابطه با قراردادهای با اجرای مستمر که مرور زمان نسبت به کل قرارداد، با اقامه دعوا برای اجرای هر قسمت از قرارداد قطع می‌گردد. بنابراین، در این فرض احتمال بیشتری وجود دارد که ادعای بطلان قرارداد مشمول مرور زمان شده باشد، اما مطالبه اجرای آن با چنین منعی مواجه نباشد (Posez, 2014: 1334).

۳-۲-۴. دلالت طرح دعوای متقابل بر قبول ضمنی قرارداد موضوع دعوا

دیوان کشور فرانسه، طرح دعوای متقابل را در فرضی که ناظر بر اثبات بطلان قرارداد است، به منزله قبول ضمنی وقوع عمل حقوقی موضوع دعوا قلمداد نموده است. برای مثال، اقامه دعوی متقابل برای اثبات بی اعتباری وصیت، به دلیل عدم رعایت تشریفات قانونی، به منزله پذیرش ضمنی وصیت (هر چند بدون رعایت تشریفات قانونی) قلمداد شده است (شعبه اول دیوان کشور فرانسه، ۳ دسامبر ۲۰۰۲). به همین شکل، اقامه دعوی تقابل برای اثبات بطلان عقد می‌تواند به منزله پذیرش ضمنی وقوع عقد تلقی گردد. بنابراین، آن جا که خواننده در مقابل دعوی خواهان مبنی بر الزام به تنظیم سند رسمی، اقدام به طرح دعوای متقابل برای اثبات بطلان عقد به دلیل صوری بودن آن می‌نماید، نمی‌تواند در عین حال، ادعای عدم انتساب امضای ذیل قرارداد را به خود مطرح کند (Guinchard, 2014: 273).

۴-۲-۴. لزوم تقدیم دادخواست جلب ثالث

تقدیم دادخواست تقابل برای اثبات بطلان قراردادی که با اشخاص ثالث مرتبط است، خواهان دعوای تقابل را ملزم به تقدیم دادخواست جلب ثالث علیه طرف‌های دیگر قرار داد می‌نماید. در مقابل، چنانچه ادعای بطلان در رابطه با چنین قراردادی، به صورت دفاع ماهوی مطرح گردد، تقدیم

1. *Quae temporalia sunt ad agendum, perpetua sunt ad excipiendum.*

دادخواست جلب ثالث توسط خواننده ضروری نیست (Posez, 2014: 1338). البته دیوان کشور فرانسه در برخی آرای خود، در فرض ارتباط قرارداد با اشخاص ثالث، طرح ادعای بطلان در قالب دفاع ماهوی را نپذیرفته است. این دیوان، در رأی اصراری مقرر نموده است که مطالبه بطلان قرارداد توسط خواننده علیه خواهان و اشخاص ثالث، از مصادیق دعوای تقابل است نه دفاع ماهوی (هیأت عمومی اصراری دیوان کشور فرانسه، ۲۲ آوریل ۲۰۱۱). (Callé, 2017: 203). بنابراین، هرچاکه طرف‌های قرارداد از طرف‌های دعوا فراتر رود، خواننده برای اثبات ادعای بطلان باید، علیه خواهان دعوای اصلی اقدام به تقدیم دادخواست تقابل و علیه اشخاص ثالث طرف دعوا، اقدام به تقدیم دادخواست جلب ثالث نماید.

۵-۲-۴. اعتبار امر مختومه

اثر رد ادعای خواننده در دعوای بطلان، بر حسب اینکه این ادعا، در قالب دفاع ماهوی مطرح شده باشد یا دعوای متقابل، متفاوت است. موضوع دعوا در فرضی که خواننده در مقابل مطالبه اجرای قرارداد از سوی خواهان، به بطلان عقد استناد می‌کند، تغییر نمی‌نماید. موضوع این دعوا همچنان مطالبه اجرای قرارداد باقی می‌ماند. دادگاه هم به همین موضوع رسیدگی می‌کند و رأی صادره هم ناظر بر همین موضوع است. این رأی صرفاً در رابطه با موضوع دعوای اصلی دارای اعتبار امر مختومه است. چنانچه دادگاه دفاع خواننده را رد کند، خواننده بعد از آن می‌تواند مستقلاً دعوای بطلان مطرح کند. چنانچه خواهان در دعوایی دیگر، خواستار الزام خواننده به اجرای دیگر آثار قرارداد شود، خواننده در مقابل این ادعای جدید، می‌تواند مجدداً به بطلان قرارداد استناد نماید. نیازی نیست خواننده به اسباب جدیدی برای اثبات بطلان متوسل شود، چراکه موضوع دو دعوا متفاوت است و قاعده اعتبار امر مختومه به دلیل اختلاف موضوع دو دعوا، محقق نمی‌شود. در نتیجه نوبت به بررسی اتحاد یا اختلاف سبب دو دعوا نمی‌رسد (Guinchard, 2014: 273).

اما با طرح دعوای متقابل، موضوع ادعای خواننده از تمام جهات مورد بررسی قرار می‌گیرد. چنانچه خواننده در مقابل مطالبه اجرای قرارداد توسط خواهان، اقدام به طرح دعوای متقابل برای اثبات بطلان قرارداد نماید، موضوع دعوا تغییر می‌کند. در این فرض، موضوع دعوا از اجرای برخی از آثار قرارداد، به بطلان عقد با تمام آثار آن گسترش می‌یابد. بنابراین، اعتبار امر مختومه، ناظر بر صحت یا بطلان اصل قرارداد نیز خواهد بود. اگر دعوای خواننده مبنی بر بطلان قرارداد رد شود، پس از آن، طرح مجدد این ادعا ممکن نخواهد بود. بنابراین، اگر خواهان اجرای دیگر تعهدات قراردادی را در دعوای دیگر مطالبه نماید، خواننده از استناد به بطلان قرارداد محروم خواهد ماند. اگر دعوای متقابل پذیرفته گردد نیز خواهان از مطالبه دیگر آثار قرارداد در دعوای دیگر، محروم خواهد شد.

البته تفکیک میان دفاع ماهوی و دعوای متقابل در رابطه با اعتبار امر مختومه، در صورتی مقبول خواهد بود که اعتبار «اصل تجميع اسباب موجهه»^۱ در نظام حقوقی ایران یا فرانسه پذیرفته نگردد (Guinchard, 2014: 273).

نتیجه

نتیجه‌ای که حصول آن در این مقاله مدنظر بوده، روشن شدن معیار تفکیک دعوای متقابل از دفاع ماهوی است. در این مسیر لازم بود تا نخست دعوای متقابل دوگانه از دعوای متقابل ساده تمیز داده شود. چراکه تنها در رابطه با دعوای متقابل دوگانه است که احتمال خلط آن با دفاع ماهوی مطرح می‌گردد. دعوای متقابل دوگانه، از یک‌سو همانند دفاع ماهوی، با هدف رد ادعای خواهان اصلی مطرح می‌گردد و از سوی دیگر، همانند دعوای متقابل ساده، برای تحصیل نفعی غیر از رد ساده ادعای خواهان. بنابراین، دادرس در مواجهه با دفاعیات خواننده، باید تشخیص دهد که با دفاعی ماهوی مواجه است یا دعوای متقابل. معیارهای متفاوتی که در این رابطه قابل طرح است مورد بررسی قرار گرفت. معیار اثباتی نه تنها مبتنی بر دلایل قانع‌کننده‌ای نیست، بلکه با ایرادات متعددی نیز مواجه است. در مقابل، معیار ثبوتی نه تنها از لحاظ نظری قانع‌کننده است، بلکه در عمل نیز اعمال آن با دشواری کمتری روبه‌روست. مفهوم مطالبه نفعی بیش از رد ساده ادعای خواهان، در سه فرض شایع، یعنی ادعای بطلان، تهاتر و ایفای تعهد مورد بحث قرار گرفت. به‌عنوان نتیجه بحث می‌توان گفت که دادرس در تشخیص اینکه ادعای خواننده باید در قالب دفاع ماهوی مطرح شود یا خیر، پیش از آنکه به شرایطی همچون ارتباط کامل و وحدت منشأ این ادعا با دعوای اصلی وارد شود، باید تشخیص دهد که آیا خواننده با طرح این ادعا در پی تحصیل نفعی است بیش از رد ساده ادعای خواهان یا خیر؟ تنها در صورت پاسخ مثبت به این پرسش است که نوبت به بررسی سایر شرایط اقامه دعوای متقابل می‌رسد.

۱. دیوان کشور فرانسه به تاریخ ۷ ژوئیه ۲۰۰۶ در رأی موسوم به سزارو، اصل موسوم به تجميع اسباب موجهه (principe de concentration des moyens) را تأسیس نمود. این رأی مقرر نمود که استناد به یک مبنای حقوقی جدید نمی‌تواند موجب یک سبب جدید برای دعوا باشد. در نتیجه، دعوایی که با مبنای حقوقی جدید اقامه می‌شود، با مانع اعتبار امر مختومه برخورد می‌نماید (Guinchard, 2014: 769).

منابع

فارسی

- امامی، سیدحسین (۱۳۷۸)، حقوق مدنی، جلد ۱، تهران: انتشارات اسلامی.
- پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور (۱۳۹۳)، مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران-حقوقی، بهمن ۱۳۹۱، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۱)، آیین دادرسی مدنی، جلد ۱، تهران: میزان.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۱)، آیین دادرسی مدنی، جلد ۲، تهران: میزان.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۱)، سقوط تعهدات، تهران: مجد.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، نظریه عمومی تعهدات، تهران: میزان.

عربی

- حسینی مراغی، میرعبدالفتاح (۱۴۲۵ق)، العناوین، جلد ۲، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

فرانسوی

- Callé, Pierre & Dargent, Laurent (2017), **Code Civile**, Dalloz, Paris.
- Croze, Hervé et Morel, Christian, **Procédure civile**, 1988, Press Universitaire de France, Paris.
- De Leval, George (2005), **Eléments de procédure civile**, Larcier, Bruxelles.
- Deshayes, Olivier, Laithier, (2011), **L'exception de nullité du contrat est-elle une défense au fond ou une demande reconventionnelle**, Recueil Dalloz, Paris.
- Cornu, Gérard et Foyer, Jean (1996), **Procédure civile**, PUF, Paris.
- Guinchard, Serge et Chainais, Cécile et Ferrand, Frédérique (2014), **Procédure civile: Droit interne et droit de l'Union européenne**, 32e éd., Dalloz, Paris.
- Larguier, Jean et Conte, Philippe et Blanchard, Christophe (2010), **Droit judiciaire privé: procédure civile**, 20e éd. Dalloz, Paris.
- Mazeaud, Henri, Mazeaud, Léon, Mazeaud, Jean, Chabas, François, (1998) **Obligations: Théorie générale**, Montchresien, Paris.
- Posez, Alexis, (2014), **L'élaboration prétorienne du régime de l'exception de nullité ou l'éviction progressive des droits de la défense**, Revue de la Recherche Juridique- Droit prospectif, Presses Universitaires d'Aix-Marseille.
- Solus, Henry et Perrot, Roger (1991), **Droit Judiciaire privé**, t. 3, Sirey, Paris.
- Storck, Michel, (1987), **L'exception de nullité en droit privé**, D. chron, Paris.
- Terré, François et Simler, Philippe et Lequette, Yves (2005), **Les obligations**, Dalloz, Paris.